

و ... واتیکان زن را آفرید

مجموعه مطالعات زنان - ۱۵

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه	: مورجا، میکلا، ۱۹۷۲-م. -۱۹۷۲, Murgia, Michela
عنوان و نام پدیدآور	: و...واتیکان زن را آفرید/ میکلا مورجا؛ مترجم: ...
مشخصات نشر	: تهران : نشر و پژوهش شیرازه کتاب، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۵ص/۱۴×۵/۲۱+۵/۱۴سم.
فروصیت	: مجموعه مطالعات زنان : ۱۵۰
شابک	: 978-964-7768-40-5
یادداشت	: عنوان اصلی: Ave Mary-e la Chiesa Inventò la donna,c2011.
موضوع	: زنان -- جنبه‌های مذهبی -- مسیحیت
موضوع	: Women -- Religious aspects -- Christianity :
موضوع	: زنان -- جنبه‌های مذهبی -- کاتولیک (مذهب)
موضوع	: Women -- Religious aspects -- Catholic Church :
موضوع	: زنان در مذهب کاتولیک
شناسه افزوده	: گرمی، لیل، ۱۳۵۰- مترجم
رده بندی دیویی	: ۸۴۳/۷۴۸ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۶۷۷۹۱ :

.... اتيكان زن را آفريد

نويسنده: ميکلا مورجا

مترجم: ميلاکمي

طراح جلد: اردان سران

صفحه آراي: طاهره شانسان

چاپ اول: ۱۳۹۹

تيراز: ۲۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۴-۷۷۶۸-۴۰-۵

بها: ۵۵۰۰۰ تومان

شیرازه

حق چاپ و نشر برای شیرازه محفوظ است.

تلفن: ۲۲۵۶۰۹۸۳، ۲۲۵۴۰۳۱۷

فهرست مطالب

۱۱	یادداشت ناشر
۱۹	سخنی فروتن از پیشگفتار
۲۷	یک - حکایات، مرگ - رادیت کم می گیرند
۲۷	خاطرات کاتولیکی
۲۹	محدوده مرگ
۳۱	غصه آنها را از بین برد
۳۴	مرگ سیاه لشگر فیلم
۳۹	در ابتدا همه زنده بودیم
۴۲	قاتل، خدمتگزار نیست
۴۳	عنصر قتاله
۴۵	چکار باید کرد؟
۴۹	جذابیت مرگبار

زیبای خفته در عرش ۵۶

دو - مادر فقط یکی است و گریست ۶۱

خاطرات کاتولیکی ۶۱

برخورد نزدیک از نوع همیشگی ۶۲

مادر بسیار مجبور ۶۵

بدهی مادران عرش ۷۳

شکل‌گیری "نبرخ زنانه" ۷۸

سه - تصوّرات دسته‌جمعی ۸۷

خاطرات کاتولیکی ۸۷

ایمان شنبه‌شب ۸۹

تقدّس روزهای هفته ۹۱

جانّا، مادر، همیشه مادر ۹۵

پَرِزا، آن روی سگه ۱۰۰

امدادرسانی به الهیات مردسالارانه ۱۰۴

مریم، آنتونیا و دیگران ۱۰۸

چهار - توصیه برای زیبایی ۱۱۹

خاطرات کاتولیکی ۱۱۹

۱۲۱		سالمند خودتی!
۱۳۰		کمتر نشان می دهی.....
۱۳۵		عیسی مسیح سوپرستار.....
۱۳۹		دوشیزه ملکوت الهی.....
۱۴۲		مصون از بی نظمی.....
۱۵۰		زبا بلوند و همیشه مطیع.....
۱۵۴		سنت ماریا، قدیس راضی.....
۱۵۷		آشوبگر.....
۱۶۱		پنج - آفریدگاری با صلیب زنانه.....
۱۶۱		خاطرات کاتولیکی.....
۱۶۳		من را اینجوری ترسیم می کنند.....
۱۶۷		مصلوب.....
۱۷۰		بر ضد تفسیرهای پلیسی.....
۱۷۲		حکایت ناخوشایند.....
۱۷۵		خدا، خانه داری هواس پرت.....
۱۷۸		مادر ما که در آسمان هایی!.....
۱۸۵		شش - تا مرگ ما را از هم جدا کند.....
۱۸۵		خاطرات کاتولیکی.....

- همین الآن یا هیچوقت ۱۸۷
- خوشبخت و بارور زیستند ۱۸۸
- نغمه‌ای برای کریسمس ۱۹۲
- ما را پرتو چیز دیگری می‌نامم ۱۹۵
- عیب تولید ۱۹۹
- عروسی جس ۲۰۴

یادداشت ناشر

از اهداف مجموعه مطالعات زنان ایجاد فضایی برای بازتاب دادن به عقاید و رویکردهای متفاوت، و نیز فراهم آوردن زمینه تحلیل و تعامل پیرامون موضوعات زنان، موقعیت و مشکلاتشان بوده است؛ بر پایه این باور که هموار تصارب آراء موجب تقویت دیدگاه‌ها و نیز جامع‌نگری به هر مبحث، منجر به استدلال همه‌جانبه‌تر و نتیجه‌گیری دقیق‌تری می‌شود. در این مسیر اندیشگی، زمانی پیش می‌آید که به گستره دیدگاه‌های متفاوت علمی غوریم، تنوع و تناقض نگاه‌ها را می‌بینیم، ولیکن ترجیح می‌دهیم از نتیجه‌گیری اجتناب و آن را موکول به تأمل و مطالعه بیشتری کنیم.

پیش‌درآمد هر تحولی در جامعه پویا و خردورز هم‌تأمل بر بارش‌های فکری متفاوت و متناقض است که به دور از تصارب و سوگیری شکل می‌گیرد و نحوه اندیشه‌ورزی زمانه را تغییر می‌دهد.

در دوران‌های تاریخی و در میان مباحث و تفکر اجتماعی و فرهنگی، چالش‌ها بر سر روایت‌ها پیوسته ادامه داشته‌است. بدین

معنا که چه تفکری می‌تواند روایت خود را بر دیگر روایت‌ها چیره سازد.

کتاب حاضر نیز تلاشی است از قلم میکلا مورجا، نویسنده مطرح معاصر ایتالیا که با پیشینه‌ای از دانش در حوزه دین و الهیات، روایت‌های رایج را چه در اصول فلسفی آموزه‌هایش و چه در چارچوب نهاد تربیتی آن با پرسش‌های معرفتی به چالش می‌کشد. در عین حال باید بر تلاش لیلا کرمی در ترجمه تخصصی متن و آوردن پانته‌ئون‌هایی که در متن اصلی نبوده‌است هم اشاره شود.

میکلا مورجا بر پایه تجربه شخصی خود طی تحصیل در رشته الهیات در انستیتوی مطالعات مذهبی کاتولیک رومی شهر اوریستانو (جزیره ساردنیا) به نقد از تابیت کاتولیکی رایج می‌پردازد و از تأثیر بسزای آن در شکل‌دهی تعاریفی که از دنیا و مفاهیم هستی‌شناسانه، همچون منشاء خلقت، سرنوشت و عملکرد انسان و روابط با دیگران، پرده برمی‌دارد.

سویه انتقادی نویسنده بیشتر بر نقش و سبوت زنان در لایه‌های متون مقدس، تفاسیر و حکایات و الگوپردازی‌ها و نیز بازتاب آن در شمایل‌ها و هنرهای تجسمی در فضای مذهبی تمرکز دارد. در تحلیل نقادانه‌اش به تعابیر «مسکین» و تصاویر تحمیل‌شده‌ای از سوی واتیکان اشاره می‌کند که از شخصیت پیچیده و رمزآلود مریم مقدس ارائه می‌شود.

میکلا مورجا با انتقاد موشکافانه‌ای به زوایای گوناگون بازنمایی شخصیت مریم عذرا در روایات و حکایات و نیز در نشان دادن وی

در تمثال‌های کلیسا، تأثیر قدرت واتیکان در دست‌کاری افکار عمومی در این نهاد را متناسب با اهداف و سیاست‌های مقتضی در دوره‌های مختلف روشن می‌کند، و در آن ردپای تفکر مردسالارانه‌ای می‌بیند که در تار و پود تعالیم آن نهفته است. وی به این ایستگاه می‌رسد که «پس باید حقیقت را فریب داد!»

با عنوان نمونه در رویکرد متفاوتی که در تمایز به نمایش گذاشتن «مرگ» برای مرد و نیز برای زن این چنین توصیف می‌کند: «مرگ مرد، مرگی است که به قهرمانانه و با وقار، اما وظیفه‌مردن بی‌اراده و در نقش قربانی با نقش مکمل به زن واگذار شده است با تصویری نامفهوم، شکست و امید.»

از همین روی، حتی مرگ مریم در حجابی فرو رفته و تعالیم رسمی واتیکان آن را مه‌آلودتر کرده است. با اینکه علم الهیات هرگز مرگ مادر مسیح را انکار نمی‌کند، کشیشان اما مراقب این موضوع‌اند که «احساسات مردمی را با تأیید بیش از اندازه آشکار مرگ او (مریم) خدشه‌دار نکنند.» هیچ سخنی از خطبه‌ریزان در مورد «مُردن مریم ناصره» به گوش نمی‌رسد و برای مذهب رسولیک، «مریم بیش از اینکه مرده باشد، به شکل دیگری زنده است.»

به بیان دیگر «مریم نشسته» پای صلیب، فقط می‌تواند یک شاهد ابدی مرگ و پایان «آن دیگری» نیست؛ مریم عذرا بی‌گناه که از پایان خود بی‌خبر است و با زنان مؤمن پیوندی غیرقابل‌دسترس دارد، «از زمان جدا است و به کلی بی‌مرز می‌باشد. اگر «مریمی که نمی‌میرد» نمایانگر تکاملی است که هرگز به آن نمی‌رسیم، اگر اوست

که تا ابد جوان می‌ماند، پس هدفی که پیش روی خود قرار می‌دهیم، بدین معنی‌ست که ما زنان کاتولیک همیشه مقدر به باختن هستیم. مگر اینکه به راه‌حلی دست یابیم که فاصله ما را با الگو کوتاه کند.» دو نکته اساسی در این بحث مطرح می‌شود.

از یک سو، اگر زن در مرگ «فاعل معنوی» بشمار نمی‌آید، اما برایش جایی بر بالین دیگری، کنار مقبره و یا در آتش یعنی جایگاه مناسب از پیوسته وجود دارد که به «شرطی لازم برای پرشکوه کردن مرگ مرد» شود. زن چه در مقام بیوه، چه دختر یتیم و چه مادر قربانی، همیشه به سبب مکتل ذاتی تصویر جمعی در سوگ برای مرگی مردانه حضور دارند.

از سوی دیگر، گرایش افراطی زنان جامعه برای «جوانی و زیبایی»، حجم فزاینده جراحی‌های پلاستیک و استفاده از لوازم آرایش برای جوانی ماندگار، نشانگر القای است از بین الگوی زن باکره همیشه جوان؛ که آنچه را نیستیم به رخ ما بکشند. «آرزوی جابجایی بدن با زیارتگاهی ابدی باشد». بدینگونه احساس اشتیاق ناخودآگاه با خود را در زن نهادینه کند. حتی «مادر» مسیح بودن هم به عنوان تجسم معنوی برای زنان سالمند، مطلوب و مورد پذیرش نیست. چرا که «تمثالی از مریم عذرای "پیر" وجود ندارد. مریم همیشه باکره است، پس همواره جوان است.»

فقدان تصویری از پیری و مرگ با وقار، خود به خود زمینه‌ساز رویکرد نفی این واقعیت می‌شود. ولی «لیفتینگ کلامی، هر چقدر شگفت‌انگیز، هیچ تسکین معنوی‌ای برای زنان کاتولیک که پیر

می‌شوند ندارند و تنها نقطهٔ ارجاع‌شان آینهٔ سنگدلی است که آنها را در خود منعکس می‌کند.»

در مطالعهٔ تیزبینانهٔ میکلا مورجا این حقیقت رخ می‌نماید که تصاویر زنان اساساً از شکوه معنوی خردمندی و نگرش عمیق و دقیق کهنسالی، کنار گذاشته شده‌اند. با وجودی که زنان بیشتر از مردان به کدسا می‌روند و این زنان هستند که تعالیم دینی را به جوانان آمرزش می‌دهند، و بسیاری از خدمات و تدارکات مراسم دینی در کلیساها را به عهده دارند و عملاً «همهٔ فعالیت‌های شبانی-کشیشی، بر خدمات ایگان و داوطلبانه و خاموش زنان مؤمن تکیه دارد. اما مقام کشیشی، سلسلهٔ مراتب کلیسا، تنظیم و حفظ تعالیم، راهنمای شبانی، تصاویر عمومی و رسانه‌ای نهاد کلیسا، در دست مردان باقی می‌ماند.»

اسامی‌ای که بر مریم مقدس گذاشته می‌شود، لطیف است همچون «رُز سفید» یا «رُز عرفانی» که نماینگر پاکی و معصومیت و در عین حال نماد ضعف و شکنندگی است و به سبب آن می‌تواند لکه‌دار شود. از این نوع نمادها فراوان می‌توان یافت که پیامی روشن به زنان مؤمن می‌رساند: «زن! تو پاکی، ضعیف و نیازمند حمایت، اثر مرز تهدید واقع شده‌ای و نمی‌توانی مقابله کنی، چون قربانی هستی و نجات داده خواهی شد.»

طرفهٔ آنکه، پژوهشگر نکته‌سنج ما در لابه‌لای نوشته‌ها و تفاسیر عالمان دینی در جستجوی منشاء این تفکر است که چرا حوا مسئولیت بیشتری در هبوط و میرایی بشر دارد؟ نویسنده پس از

کنکاش به این استنتاج می‌رسد که: «این تفسیر از داستان آفرینش را، اولین داعیان، از سخنان "پدران کلیسا" می‌گیرند، که آنها هم به نوبه خود، از لحاظ فرهنگی، فرزندان سنت پدرسالاری بودند که قدمتی فراتر از شکل‌گیری مسیحیت داشته‌است.»

میکلا مورجا به یکی دیگر از مشکلات نهادینه‌شده در رفتار و سبک زندگی زنان ایتالیایی می‌بیند و آن را نتیجه این تعالیم می‌داند - که البته فقط مشکل زنان ایتالیایی نیست- و آن عدم کاربرد واژه «نه» در این کشور است. زنان مسیحی در تمامی جوامع جهانی، ناگزیر به شدت خسته‌هایی در مورد مریم ساکت و فرمانبر بوده‌اند. «مریم مطیع خواسته شدند، مریم ساکتی که حتی وقتی چیزی را نمی‌فهمد، سؤالی نمی‌کند و مثل شاخه باریکی، با اولین وزش روح رازآلود سر خم می‌کند.» همان‌بله شایده شده در ازدواج برای ورود به اجتماع. بله حاملگی، بله در خدمت به خانواده و به نام اطاعت از سلسله مراتب آن. اطاعت ذاتی از پدر، از شوهر، اطاعت معنوی از کشیش. «به دختران، فضیلت فریب دادن می‌دادند. برای دختر "نه گفتن" بی‌ادبی به حساب می‌آمد و امتناع، دخواهی و گستاخی. بدین شکل، زنان با فرضیه مطیع بودن، بزرگ می‌شدند، آن هم نوع خاصی از آن. این فرضیه، باور اشتباهی را بین مردان ریشه می‌دواند که زنان وقتی "نه" می‌گویند، در واقع می‌خواهند بگویند شاید، و وقتی شاید می‌گویند، در درون خود، دوست دارند بگویند "بله". حال آنکه مردان از دیرباز و از کودکی به "نه گفتن" قاطعانه تشویق می‌شوند.»

برای اینکه کلمه ساده "نه" وارد لغتنامه زنان ایتالیایی بشود، باید تا سال‌های هفتاد منتظر ماند: وقتی زنان در میدان‌ها با صدای بلند شعار "من مال خودم هستم" را سر می‌دهند. تا تصویب اصلاح قانون خانواده در ایتالیا (سال ۱۳۵۴/۱۹۷۵ ه.ش.)، عدم تمکین از خواسته جنسی مرد، طبق قانون، ممنوع بود. زیرا به مثابه سر باز زدن از وظیفه زناشویی به حساب می‌آمد. «ساختار کلیسا، با تعبیر اشتباه از "بله" مریم عذرا، به همسران و دختران می‌قبولاند که سرپیچی و مخالفت از مرد در کل، هر تلاشی به عنوان رفتار یا کلمه‌ای غیر از جواب مثبت به خواسته‌های اطرافیانش، با طرح الهی نجات دنیا متناقض درمی‌آید. ساختار پدرسالاری با شکل دادن به نوعی خاص از «روند بله گفتن» به مقاسات، مذهب کاتولیک را متحدی قوی برای ادامه تصدی بر فروم‌یگی و کت زنان می‌بیند. اصل پدرسالاری سکوت-اطاعت با مریم منتقل می‌شود. زنان را ابتدا از داشتن صدا و سپس از داشتن خواسته محروم می‌کند.»

هدف میکلا مورجا در بیان استدلال‌هایش در این کتاب، رساندن این پیام است که به دست آمدن روایت درست، نرسیده گرفتن زمام گفتار و نشر و توسعه آن در گستره روایت‌هایی است که سال‌ها سال بدان آغشته بوده‌ایم، عادت کرده و به نوعی پذیرفته به نام رمان اولین گروهی هستند که در این آموزه‌ها با تبعیض جنسیتی مواجه شده‌اند. این نوع تلاش‌ها در حوزه گفتار مسلط این مدعی را با خود دارد که چه زن و چه مرد، ناخواسته اسیر ذهنیت و پیشداوری‌هایی هستند که بر روابط برابر میان آنها حکم می‌کند و بر

زندگی آنان سایه افکنده است. تمامی این مبارزات اما با پیش شرط و شناختی میسر خواهد بود که "اگر همه با هم تصمیم بگیریم، از حکایات نادرست رها نخواهیم شد". روی این سخن هم به مردانی است که «ما زنان را آراسته و ساکت می‌خواهند و هم مردانی که ما را «گونه که هستیم دوست می‌دارند.»

زیبا جلالی نائینی